

معیار ارزش گذاری عمل در عقلانیت مدرن و عقلانیت اسلامی

حسین جلائی نوبری

دانشیار و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضو عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های
بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

این مقاله به بررسی ملاک‌های ارزش گذاری عمل در اسلام و عصر مدرن می‌پردازد. ملاک عمل بر دوپایه استوار است، یکی عمل همراه ایمان و دیگری عمل بدون ایمان. در دین اسلام، ایمان و عمل همواره در کنار هم ذکر شده‌اند؛ عمل صالح همراه با ایمان باعث رستگاری می‌شود که در این مقاله به آن پرداخته شده است. در عصر جدید، بحث در مورد این است که آیا در دنیای مدرن باید ایمان کنار گذاشته شود و انسان مانند یکی از اجزای طبیعت و بدون هیچ ایمانی عمل کند؟ یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین دستاوردهای عقلانیت غربی آن است که عقلانیت ابزار است در جهت رفاه مادی و لازمه آن قداست زدایی از طبیعت و انسان است؛ بنابراین ملاک عمل در عقلانیت مدرن عمل بدون ایمان هست و عقل ملاکی برای عمل در عقلانیت مدرنیته است. پیش از این اسلام، به عنوان شالوده و یکپارچگی اخلاقی در حیات اجتماعی نقش مؤثر داشت ولی امروزه عقل می‌خواهد این نقش را به عهده گیرد که محدودیت عقل ابزاری آشکار شده است. در این نوشته بیشتر تلاش شده است تا عقلانیت دینی با عقلانیت مدرن مقایسه شود و جایگاه عمل صالح مشخص شود. این تحقیق به روش توصیفی - تدوینی و به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ارزش گذاری، اسلام، عمل، عقلانیت، مدرنیته.



مقدمه

از نظر فیلسوفان مدرن، «مدرنیته» به معنای «نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر» و همچنین به معنای «خردباوری و تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران کردن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌های سنتی و باور به اصالت علم تجربی و عقلانیت بشری و محوریت انسان و اعتقاد به ایده پیشرفت، تعریف و توصیف‌شده است. «عقلانیت در غرب، معطوف به اندیشه و عمل انسان خود بنیاد است. عقل از نظر فیلسوفان غربی به معنای راسیونالیستی آن مورد نظر است. این نوع عقل‌گرایی بر توانایی‌های بی‌شمار عقل تأکید دارد و عقل بشری را تنها ملاک و معیار برای محاسبه و پیش‌بینی اشیا و امور تلقی می‌کند و عقل منقطع از وحی و شهود را مبنای جهان‌شناسی و معرفت‌شناسی و عمل خود می‌شمارد. عقلانیت دین‌بدین صورت است که از آنجا که اسلام برای انسان سعادت و کمال مطرح کرده و انسان را سوق داده که همواره برای کمال و سعادت کوشش و تلاش کند و در این رابطه الگو و اسوه‌های خوب و کامل قرار دهد، همواره به دنبال سعادت و کمال انسان مطرح می‌کند و ایمان و معرفت خدا و عمل صالح را دو بال برای نیل به سعادت معرفی می‌کند. اگر یکی از این دو بال نباشد انسان نمی‌تواند به هدفش برسد. ایمان عبارت است از یقین و تصدیق قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح است. عمل مکمل ایمان است و بدون عمل، ایمان انسان به حقیقت نمی‌رسد و بدون ایمان نیز عمل انسان مورد توجه حضرت حق نخواهد گرفت. سؤال اساسی آن است که از دید روایات قرآن و عقلانیت مدرن ارزش اعمال به چیست؟ مقاله حاضر ضمن تعریف مفاهیم عقلانیت مدرن و عقلانیت برخاسته از دین به بررسی جایگاه عقل در دین و مدرنیته پرداخته و به بررسی معیار ارزش‌گذاری عمل صالح و نیک در متن دین و مبنای فلسفی مدرنیته می‌پردازد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. ایمان

ایمان در یک استعمال به معنای «گرویدن و عقیده داشتن» آمده است. در برخی موارد دیگر ایمان به معنای «تصدیق» نیز استعمال شده است همچنانکه فراهیدی^۱ و این منظور بر این باورند. علامه طباطبائی نیز آن را استقرار اعتقاد در قلب معنا نموده است.^۲ لکن قرآن کریم، ایمان به معنای صرف اعتقاد را تأیید نمی‌کند بلکه بهترین معنای آن همان «تسلیم» است. ^۳ به همین جهت است که حضرت امیر(ع) نیز حقیقت

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. الفراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۳۸۹.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.

۴. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

۵. دهقان، راه رشد، ص ۱۹۲.



ایمان را تسلیم در مقابل خداوند دانسته و می‌فرماید: «اصل و حقیقت ایمان عبارت است از حسن تسلیم در برابر امر الهی است.»

۲-۱. عمل صالح

واژه «عمل» اگرچه از لحاظ مفهومی شامل مطلق رفتار و فعل می‌شود، اما در معنایی خاص به رفتارهای ارادی که با اختیار و آگاهی انجام می‌گیرد، اطلاق می‌گردد، از همین روست که بعضی اهل لغت واژه اراده را در مفهوم این لفظ لحاظ کرده و «عمل» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هر کاری (فعلی) را که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، عمل نامیده می‌شود.»^۲

واژه «صالح» نیز از ریشه صلاح بوده و به معنای ضد «فساد» است. در آیات قرآنی نیز این واژه در همین معنا به کار رفته و دو واژه «صلاح» و «فساد» در معنای مقابل هم به کار رفته. مانند آیه «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»^۳ می‌توان گفت «عمل صالح، عملی است که در شرع به‌عنوان واجب یا مستحب معرفی شده و سالک از طریق انجام آن می‌تواند سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد.»^۴ «عمل صالح در حقیقت میوه درخت ایمان است و دو رکن اساسی دارد. یکی نیت پاک و دیگری کار مفید. بنابراین عمل صالح منحصر در نماز و روزه، حج و زکات و... نیست،...»^۵

۳-۱. تعریف مدرنیته

از نظر فیلسوفان مدرن، «مدرنیته» به معنای «نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر» و همچنین به معنای «خردباوری و تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران کردن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌های سنتی و باور به اصالت علم تجربی، و عقلانیت بشری و محوریت انسان و اعتقاد به ایده پیشرفت، تعریف و توصیف‌شده است.»^۶

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸.

۲. راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن الکریم.

۳. همان

۴. شعراء/۱۵۲.

۵. امینی، خودسازی، ص ۲۵۴.

۶. علیان نژاد، ابوالقاسم، سوگندهای پربار قرآن، ص ۲۲۷.

۷. احمدی، مدرنیته و اندیشه اعتقادی، ص ۱۱.

۸. مطهری، حکمتها و اندرزها، ص ۴۳.

۹. گفتار فلسفی، اخلاقی از نظر همزیستی ارزشهای انسانی، ص ۳۷.



۳-۱. تعریف عقلانیت

درباره عقلانیت معانی و تعاریفات مختلفی گفته شده است. شاید برای هیچ چیزی این مقدار تعریف مطرح نشده باشد. اشراقیون به نوعی تعریف کرده اند، در ادیان به شکل دیگر تعریف شده است؛ مثلاً در روایات، عقل شریعت باطن خوانده شده است؛ فلاسفه هر کدام بنا به مسلکی که داشته اند عقل را به گونه ای معنا کرده اند: بیشتر حکمای ما عقل را موطن کلیات نامیده اند؛ عقل نیرویی است که به کلیات ناائل می شود.

۲. اهمیت موضوع

خداوند در سوره ی عصر می فرماید که انسان جز با داشتن چهار خصلت، زیانکار و بدبخت است: اول ایمان، دوم عمل صالح، سوم وادار کردن افراد، یکدیگر را به حق و چهارم توصیه ی افراد، یکدیگر را به صبر و خویشتر داری. این چهار رکن، چهارستون کاخ سعادت بشر می باشند. اما رکن اول یعنی ایمان، اساسی ترین رکن حیات انسانی است و رکن اصلی و پایه اساسی سعادت بشر است و انسان در پرتو آن می تواند مدارج تعالی را پیماید و به کمال نهایی دست یابد. بر اثر ایمان، بشر به رفیع ترین مدارج سعادت ناائل می شود و از بهجت و سرور کامل برخوردار می گردد. رکن دوم عمل صالح است. جمله ی «آمنوا و عملوا الصالحات»، در نزدیک به شصت آیه از قرآن دیده می شود که خود نشانگر توأم بودن ایمان و عمل صالح در قرآن است و بیانگر این حقیقت است که این دو، رابطه ی تنگاتنگ و مستقیمی باهم دارند، اگر ایمان در اعماق جان انسان نفوذ کند، در اعمال انسان تأثیر می گذارد و عمل او را صالح می کند و انجام اعمال صالح نیز باعث تقویت و افزایش ایمان می گردد. بنابراین بررسی ایمان و عمل و ملاک ارزش عمل امری ضروری است.^۱

۳. حقیقت «عمل»

بر اساس آنچه اهل لغت تصریح کرده اند؛ «عمل» عبارت است از کار و فعل و خدمتی است که با قصد و اراده انجام داده می شود. از این رو در اعمال انسانی که با اراده و عمل همراه است پیوسته هدف و غایتی مدنظر فاعل است که آن را کمال خود دانسته و برای تحصیل آن اقدام می کند. در متون دینی ما غایت قصوای خلقت انسان عبادت الهی و به معنای دقیق «قرب الی الله» ترسیم شده است و لذا عمل مطلوب که در فرهنگ قرآنی به آن «عمل صالح» اطلاق شده، عملی است که در این راستا به انجام می رسد.

۱. علیان نژاد، سوگندهای پربار قرآن، ص ۲۲۴.

۲. اصفهانی، مهجم المفردات الفاظ القرآن، ص ۳۶۱.



۴. «عمل» در آیات

۴-۱. ضرورت همراهی «ایمان» و «عمل»

قرآن کریم از سویی کمال انسان را خدایی شدن و «تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ» معرفی کرده و انسان را رهسپار به سمت مبدأ حقیقی خویش دانسته و می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» اما از سویی دیگر رسیدن به این هدف را مستلزم جد و تلاش و سعی و کوشش دانسته و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» هان ای انسان، تو در راه پروردگار تلاش می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد. «همچنین در جایی دیگر ذات اقدس اله طلب سعادت اخروی و تلاش در جهت آن را دو مؤلفه‌ی اصلی ایمان معرفی کرده و می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» هر کس خواهان آخرت بوده و کوشش خود را برای آن بکار برد کوشش این چنین افرادی مورد تقدیر خواهد بود؛ و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ»^۱ و اما کسی که توبه کرد و ایمان آورد و عمل صالح بجا می‌آورد امید آن است که از رستگاران باشد.

۴-۲. شرط قبولی عمل از نظر قرآن

اساساً آخرت و جهه ملکوتی دنیاست. شرط اینکه یک عمل، وجهه ملکوتی خوب پیدا کند، این است که با توجه به خدا و برای صعود به ملکوت خدا انجام گیرد. لذا اگر کسی ایمان به خدا و قیامت نداشته باشد، عمل او وجهه ملکوتی نخواهد داشت و به علیین صعود نخواهد کرد. لذا تا عملی از راه نیت و از راه عقیده و ایمان، نورانیت و صفا پیدا نکند، به ملکوت بالا نمی‌رسد.^۲

در قرآن کریم آمده است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۳ به سوی او سخن پاک بالا می‌رود و کردار شایسته بالا می‌برد آن را. این آیه به دو گونه تفسیر شده است: یکی اینکه کردار شایسته سخن و اعتقاد پاک را بالا می‌برد و دیگر اینکه سخن پاک و اعتقاد پاک، کردار شایسته را بالا می‌برد و ملکوتی می‌سازد. دو تفسیر، این اصل را بیان می‌کنند که ایمان در مقبولیت عمل و بالا رفتن عمل به سوی بالا تأثیر دارد و عمل، در سیراب شدن ایمان و بالا رفتن درجه ایمان و این اصل در معارف اسلامی، اصل مسلمی است.

۱. بقره/۱۵۶.

۲. انشقاق/۶.

۳. اسراء/۱۹.

۴. قصص/۶۷.

۵. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، ص ۲۸۰.

۶. فاطر/۱۰.



۳-۴. رابطه‌ی ایمان و عمل صالح در آیات

در قرآن کریم هر جا سخنی از ایمان آمده، به دنبالش عمل را آورده است. البته نه هر عملی بلکه آن‌هم «عمل صالح». همچنین این عمل صالح همیشه به صورت جمع استعمال شده است مانند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»^۱ برای کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگ است.

«الصالحات» صیغه جمع است و با «ال» استغراق آورده شده است یعنی ایمان می‌آورند و تمام اعمالی که از جانب خداوند بر آن‌ها واجب شده یا عمل به آن‌ها منع شده بجا می‌آورند یا از او دوری می‌جویند. نکته‌ی دیگر آن است که در قرآن کریم هر جا صحبت از ایمان حقیقی است به دنبال آن از آثار عملی آن سخن به میان آمده تا مشعر به این مطلب باشد که ایمان حقیقی منشأ آثار است و در اعمال و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. در ادامه به دو مورد از این آیات اشاره‌ای خواهیم داشت:

۴-۴. آیات ۲-۶ سوره انفال

در این آیات خداوند به آثار قلبی و عملی ایمان اشاره کرده و مؤمنین حقیقی را صاحب صفاتی معرفی می‌کند. خداوند می‌فرماید: همانا مؤمنین کسانی هستند که زمانی که نام خدا را می‌شنوند:

– وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ؛ دل‌هایشان از ترس می‌تپد.

– (وَ إِذَا تُلِيَتْ آيَاتُهُ، زَادَتْهُمْ إِيمَانًا؛ هر گاه آیات خدا برایتان تلاوت می‌شود، ایمانشان بیشتر می‌گردد.

– وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ به پروردگارشان توکل می‌کنند.

– الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ؛ اقامه نماز می‌کنند.

– وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و از آنچه به آن‌ها دادیم، انفاق می‌کنند.

– أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا؛ همان هستند که مؤمن حق هستند.

ویژگی‌های ۱ و ۲ مربوط به قلب و باطنشان است، ویژگی سوم در حقیقت از باطن و قلب مطمئن ظهور می‌کند ولی آثارش در خارج دیده می‌شود، ویژگی ۴ و ۵ و ۶ مربوط به اعمال انسان مؤمن است. از این آیه به وضوح فهمیده می‌شود که عمل گوش دادن آیات الهی و توجه به آن‌ها و توجه خاص به حضرت حق و ذکر او چگونه در قلب انسان نفوذ می‌کند و ایمان و معرفت آن‌ها را رشد می‌دهد و منشأ اعمال و رفتار نیکی می‌گردد.

در قرآن مجید در آیه ۱۸ سوره ابراهیم درباره عمل بدون ایمان می‌فرماید: داستان اعمال انسانی که به پروردگارش کفر ورزیدند داستان خاکستری است که در روز طوفانی باد سخت بوزد که هیچ از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند. همچنین قرآن در آیه ۳۹ سوره نور عمل کافران را مانند سراب می‌داند که واقعیتهایی ندارد.

۱. فاطر، ۷.



رابطه ایمان و عمل از دیدگاه شیعه:

رابطه ایمان و عمل از دیدگاه شیعه از دو جهت قابل بررسی است.^۱

۱-۵. رابطه مفهومی ایمان و عمل

در رابطه مفهومی، حقیقت ایمان و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آیا عمل جزء ذات ایمان به شما می‌آید یا نه؟ از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: ایمان، معرفت به جان، اقرار به زبان و عمل به ارکان است.^۲ اگرچه ظاهر این روایت و برخی دیگر از روایات، دلالت بر جزئیت عمل در ایمان دارد، ولی دیدگاه رایج شیعه این است که حقیقت ایمان مبتنی بر معرفت و تصدیق قلبی است و دو مؤلفه دیگر یعنی اقرار زبانی و عمل جوارحی که گاهی به عنوان اجزاء متشکله ایمان از آن نام برده می‌شود، خارج از ذات ایمان محسوب می‌شود. در صورتی که اگر عمل جزء ذات ایمان محسوب گردد - مانند دیدگاه معتزله - دایره اصل ایمان تنگ می‌شود و با فقدان آن ایمان منتهی می‌گردد.

۲-۵. گستره‌ی عمل صالح

عمل صالح یکی از واژه‌های قرآنی است که معنای وسیعی دارد و شامل هر کار خوبی که برای خدا انجام گیرد، می‌شود. آنچه در عمل صالح مهم است، این است که به قصد قربت و تقرب به پروردگار انجام گیرد و نیت خالص همراه آن باشد. بزرگی یا کوچکی عمل مهم نیست، لذا اگر سنگی در وسط راه مردم افتاده باشد و انسان با نوک پا، آن را به کناری بزند تا مزاحم عبور و مرور مردم نباشد، این کار خود عملی صالح محسوب می‌شود. پس دامنه‌ی عمل صالح بسیار گسترده است.

۶. آثار پیوند ایمان و عمل صالح

جمله‌ی «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، در نزدیک به شصت آیه از قرآن دیده می‌شود. با توجه به آیات قرآن، ایمان و عمل صالح، هر دو در کنار هم ثمراتی را به دنبال دارند که در واقع سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کنند. از جمله:

۱. مفتاح، رابطه ایمان و عمل در شیعه و آیین کاتولیک.

۲. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳. علیان نژاد، سوگندهای پربار قرآن، ص ۵۴۴.

۴. همان، ص ۲۲۴.



۱-۶. پوشاندن لغزش‌ها و اصلاح کارها

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ»^۱ کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده که حق از سوی پروردگارشان، ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارها را اصلاح می‌کند.

۲-۶. رسیدن به حیات طیبه

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ هر کس عمل صالحی را انجام دهد، چه مرد باشد، چه زن درحالی که ایمان دارد، حتماً زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم. قطعاً مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده‌اند، پاداش خواهیم داد. تفسیر مجمع‌البیان پنج چیز را مصداق حیات طیبه دانسته است.

– رزق حلال

– قناعت و رضا نسبت به مقدرات الهی

– بهشت

– رزق روزبه‌روز

– حیات طیبه در قبر^۳

۳-۶. مشمول رحمت الهی شدن

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ»^۴ اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، پروردگارش آنان را رحمت خود داخل می‌کند. در این آیه ایمان و عمل صالح شرط داخل شده در رحمت الهی معرفی شده و این رحمت الهی دنیا و آخرت را شامل است.

استجاب دعا

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ»^۵ خداوند دعای کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد اجابت می‌کند و از فضلش بر آنها می‌افزاید.

۱. محمد/۲.

۲. نحل/۹۷.

۳. طبری، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۵۹۳.

۴. جائیه/۳۰.

۵. شوری/۲۶.



بخشش گناهان

«... وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می‌پوشانیم [و می‌بخشیم] و آنان را به بهترین اعمالی که انجام دادند، پاداش می‌دهیم.

۷. نیاز بشر معاصر به دین در عمل خویش

علامه طباطبائی می‌گوید: دین همواره بشر را به سوی معارف حقیقی و اخلاق فاضله و اعمال نیک دعوت می‌کند و معلوم است که اصلاح عالم انسانی هم در همین سه چیز است: ۱. عقاید حقه؛ ۲. اخلاق فاضله؛ ۳. اعمال نیک. با نگاهی به وضعیت بشر امروز، بهتر می‌توان دلیل نیاز بشر به دین را درک کرد. بشری که امروزه به بالاترین درجه از علم و تمدن و فناوری رسیده است، ولی می‌بینیم که در امور گوناگون فردی و اجتماعی و اخلاقی خود تا چه حدی دچار انحطاط اخلاقی و فساد شده است و چه بحران‌ها و جنگ‌های خانمان‌براندازی تهدیدش می‌کنند! تا چه حد زورگویی بر بشریت مسلط شده است! و تازه همه این فسادها در عصری جریان دارد که آن را «عصر تمدن و ترقی» و «عصر دانش» می‌خوانند.^۳

از نظر علامه طباطبائی، تنها دین است که می‌تواند بشر را در تمام شئون مادی و معنوی به اصلاح دعوت کند؛ هم در اعتقادات و هم در اخلاق و هم در رفتار. بنابراین، اگر در دنیا، امید خیر و سعادت باشد باید از دین و تربیت دینی امید داشت و در آن جست‌وجو کرد.

۸. عقلانیت اسلامی

عقلانیت در فرهنگ اسلامی، حوزه وسیع، محترم و موجهی دارد. مبحث عقل در اسلام را در سه سطح می‌توان بررسی نمود:

۸-۱. عقلانیت بنیادین

شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و با خدا متعال

۸-۲. عقلانیت و ارزش‌ها

شأن «عقل» در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات

۱. عنکبوت: ۷.

۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۲۶۸.



۳-۸. عقلانیت ابزاری

مهندسی و اندازه‌گیری و نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی جهت نیل به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه.

عقلانیت اسلامی برخلاف عقلانیت مدرن غرب که تنها به ساحت سوم محدود می‌گردد، از هر سه سطح برخوردار بوده و در یک موالات و ترتیب منطقی، ابتدا در یک پرسش اصلی و کلان، از انسان و حیات می‌پرسد و وقتی سنگ بنای عقلانیت را گذارد و مختصات و اهداف و مبانی آن را معلوم کرد به تنظیم اخلاقیات می‌نشیند و عاقبت به روش‌ها و ابزار تأمین اهداف مادی و معنوی بشریت می‌پردازد.^۱

عقل در نگاه اسلام در ذیل راهنمایی و هدایت آموزه‌های دینی معنا می‌یابد و می‌تواند از دیگر قوای آدمی از قبیل خشم و شهوت و احساسات رهانیده شده و در جایگاهی فوق آن‌ها، مهار و کنترل دیگر قوا را در اختیار بگیرد. مبتنی با این نگاه است که عقل در جایگاه «معبود به الرحمن و اکتسب به الجنان»^۲ قرار می‌گیرد و از سویی دیگر میوه عقل آن می‌گردد که آدمی همواره در رکاب حق قرار می‌گیرد.

در این گفت‌وگو بالاترین عقلانیت، مخالفت با امیال پست و غیرانسانی خویش است و کم‌عقل‌ترین مردم و بی‌بهره‌ترین ایشان از عنصر عقل، آن است که به انسان‌ها ستم کند و حقوق ایشان را ضایع کند.

اصولاً در حیات عقلانی مدرن و فرهنگ آمارگری آن، باز به تعبیر رسای گنون، به اقتضای «جنون آمارگیری» همه چیز شمارش و ثبت می‌شود افراد انسانی هم به‌مثابه آحاد عددی صرف بشمار می‌آیند! و صحنه‌ی اجتماع صفحه‌ی شطرنج است و همه به حساب می‌آیند اما بی‌آنکه اراده کرده باشند باید بازی کنند اگر نه از دور حیات خارج خواهند شد.

امروز الهی‌رشنالیه همه‌کس را در معبد آیین آهنینش به کرنش واداشته و فرعون عقلانیت همه‌چیز را در مسلخ لذت به صلیب سود آویخته است.

۹. عقلانیت مدرن

عقلانیت جدید، بر حیات تک ساحتی بنا شده است و در منظر عقلانیت باوران، هستی بی‌چکاد است و حیات بی‌آسمان؛ هیچ وجود متعالی‌ای در متن هستی حضور ندارد، حیات از قدس و روح تهی است! و چون جهان و انسان آقابالاسر ندارد، پس تقدیر پیشینی آسمانی‌ای نیز برای او متصور نیست و چون تقدیری نیست پس غایت مندی عالم و آدم نیز منتفی است و چون غایت مندی منتفی است پس تکلیف هم مطرح نیست و این است که انسان در هستی بلا تکلیف و بی تکلیف است! و حال که تقدیر قدسانینی نیست تا انسان آن را کشف کرده بدان ملتزم گردد پس تدبیر نفسانی‌ای باید تا انسان آن را جعل کند و اعمال نماید، چون جعل و فعل به عهده‌ی خود اوست، تنها به قاضی می‌رود و راضی هم برمی‌گردد، لهذا به‌جای «احساس تکلیف» «احصاء حق» می‌کند!



در نگرش مدرن، انسان موجودی است گره‌خورده به ماده، جزئی از طبیعت است، شیئی است. انسان اندیشه نیست، انسان ارزش و پرستش نیست، باخدا قطع رحم کرده است، اصولاً نسبتی باخدا ندارد، فرزند خاک است، برگی است از درخت هستی فروافتاده و به دست گردباد فناوری گرفتار آمده است. انسان دنیای مدرن، انسان بی‌ایدئولوژی است، متحیر است، «بی‌آنکه هدف روشنی وجود داشته باشد، احساس کینه‌توزی و سرخوردگی از همه‌چیز، خاصیت انسان روزگار ماست.»

از جمله مواهب تمدن جدید این بود که علم از کلیت بی‌نصیب و از معنویت تهی و از افاضات آسمانی محروم شد؛ علم جزء بین، حس‌گرا و طبیعت‌ستا، هرگز قادر نیست به انسان جهان‌بینی ببخشد و در قلب آدمی اعتماد و ایمان بیافریند و در کالبد بشر روح حیات بدمد و در حیات او شور و طراوت پدید آورد، هم از این‌روست که نسیت، شکاکیت در عهد جدید شیاع و رواجی شگفت پیدا می‌کند.

۱۰. مواجهه سنت و مدرنیته

درباره جایگاه دین در دنیای مدرن به‌طور کلی، دو دیدگاه کلان وجود دارد: یکی نگاه سنت‌گرایانه و دیگری نگاه تجددگرایانه. در یک نگاه کلی، می‌توان طیف‌های سنت‌گرایان و تجددطلبان را در چهار گروه عمده تقسیم‌بندی کرد:

الف. سنت‌گرایان افراطی و بنیادگرا ب. سنت‌گرایان میانه‌رو

ج. تجددگرایان افراطی د. تجددگرایان میانه‌رو

با این وصف، اصل مواجهه و چالش دین و مدرنیته امری جدی و غیرقابل‌انکار است؛ که این چالش به اعمال بشریت نیز تأثیر بسزایی داشته است. یکی از روشن‌فکران معاصر مواجهه دین و سنت را اجتناب‌ناپذیر دانسته است. وی چهار گونه مواجهه میان دین و مدرنیته ترسیم می‌کند:

اول: مواجهه در ساحت نظر و عمل و رقابت در میدان علم و عمل

دوم: بازخوانی تازه از دین؛ روشن‌فکران دینی بر ضرورت نوسازی معرفت دینی تأکید می‌کنند و می‌کوشند تا دین را هماهنگ با دستاوردهای جدید معرفی نمایند

سوم: رجعت به خلوص پیشین دین و سنت و کشیدن خط بطلان بر مدرنیته و مبانی و دستاوردهای آن

چهارم: شکل‌گیری انواع نوآوری‌ها و بدعت‌ها و تأویل‌ها؛ در این مرحله، قرآنت‌های گوناگون دینی با رهیافت‌ها و مبانی گوناگون شروع به بروز می‌کند. به‌هرحال، تجددگرایان مؤلفه‌های بنیادین تمدن جدید و الزامات آن را پذیرفته‌اند و هیچ مانعی را در برابر خود بر نمی‌تابند؛ حتی دین را مانع تجدد می‌شمارند. در مقابل، سنت‌گرایان، مبانی و اهداف مدرنیته و الزامات آن را نمی‌پذیرند ولی در بسیاری از موارد، از دستاوردهای علمی و ابزاری مدرنیته استقبال می‌کنند و این تفاوت نگرش در عمل هر گروه مؤثر است.



۱-۱۰. نفی دین با ادعای عقلانیت مدرن

عقلانیت در غرب، معطوف به اندیشه و عمل انسان خود بنیاد است. عقل از نظر فیلسوفان غربی به معنای راسیونالیستی آن مورد نظر است. این نوع عقل گرایی بر توانایی‌های بی‌شمار عقل تأکید دارد و عقل بشری را تنها ملاک و معیار برای محاسبه امور تلقی می‌کند و عقل منقطع از وحی را مبنای جهان‌شناسی و عمل خود می‌شمارد. عقلانیت در غرب، به صورت تحقق علمی و عینی مدرنیته تجسم یافته است. به تعبیر ماکس وبر، «مفهوم اصلی و کلیدی در مدرنیته، خردباوری و عقلانیت است»

طبق تفسیر ماکس وبر، «عقلانیت» به معنای تکیه بر توانایی‌ها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های اندیشه بشری به نحو مستقل از سنت و اسطوره و مبانی هستی‌شناسان و وجود شناسانه متافیزیکی است. انسان بماهو انسان دنیوی، خود باید بر اساس اندیشه و فکر و اراده خود، آرمان‌ها و رفتارهای خود را تنظیم کند و نیازی به تعلیم و حیانی و اسطوره ندارد. به نظر او، لازمه عقلانیت علمی، انفکاک دانش از ارزش‌های قدسی و عمل بر طبق آن است.

۲-۱۰. نفی دین با ادعای تضاد میان علم و دین

علم جدید با رهایی از قید سنت، بر مبنای عقل جدید و روش تجربی شکل گرفت. این ادعا که تنها علم تجربی می‌تواند تبیینی قابل اطمینان از پدیده‌های این عالم به ما ارائه کند و علم است که می‌تواند مظهر عقلانیت شمرده شود و هیچ روش دیگری غیر از علم نمی‌تواند ادعای اثبات حقیقت عینی را داشته باشد و قبول این پیش فرض که روش علمی تنها روش قابل اعتماد است، چنین نتیجه‌ای القا کرد که آنچه در دسترس علم نیست معرفتی قابل اعتماد نیست. تفکر مدرن با جدا کردن جهان بیرون از جهان درون، هرگونه رابطه میان عالم صغیر و کبیر را غیرممکن شمرد. این اندیشه سلسله مراتب وجود را در بُعد کمی و هندسی آن تقلیل داد؛ هر نوع امکان تأویل استعلایی را از میان برد. علم جدید هرگونه ارتباط میان خدا و جهان را ناممکن می‌داند و با انکار غایت‌گرایی جهان آفرینش، تفکر عقلانی را به قوه ای محاسبه‌گر، که اشیا را برحسب معیار وضوح، تشخیص می‌دهد، مبدل کرده است و امکان شناخت^۲ اشراقی و عرفانی را کاملاً منتفی می‌داند در نتیجه به عمل بر پایه دین و ایمان اعتقادی ندارد.

۳-۱۰. سنت ستیزی و قداست زدایی از عالم

یکی دیگر از پیامدها و نتایج مدرنیته نفی مرجعیت دین در فرایند عقلانیت و قداست زدایی از عالم بود. مدرنیسم هیچ نیازی به ارزش‌های متافیزیکی و دینی نمی‌بیند. هابرماس می‌گوید: سنت‌های دینی نهادها در

۱. احمدی، مدرنیته و اندیشه اعتقادی، ص ۲۹

۲. شایگان، افسون زدگی جدید یا هویت چهل تکه، ص ۲۳۹



گرداب عقلانی کردن جهان، به سوی متمایز شدن و خصوصی شدن پیش می‌روند و دچار تضاد و چالش می‌شوند.

در فرایند عقلانی شدن جهان بر اساس الگوهای مدرنیته، جایگاه انسان و آزادی عمل او با مدرنیته تعریف می‌شود و مدرنیته الزامات خود را بر انسان تحمیل می‌کند. در جهان افسون زدایی شده که توسط گالیه، دکارت، بویل، نیوتن و مانند آن‌ها مطرح شده، رابطه الوهیت با طبیعت نفی گردیده و رابطه تعیین کننده جهان فراطبیعی با جهان طبیعی انکار شده و رویکرد اثبات گرایانه و مکانیستی محور اصلی نظریه‌های علمی قرار گرفته است. نتیجه این رویکرد معنویت ستیز آن شده که علم مدرن در افسون زدایی از طبیعت به راهی رفته که به افسون زدایی از خودش انجامیده است؛ به این معنا که اگر همه زندگی بشر بی معناست، علم نیز به عنوان یکی از فعالیت‌های بشری، می‌بایست بی معنا شمرده شود. مهم ترین نقطه عزیمت علم جدید، که دستاوردهای عظیم فناوریانه به همراه داشت، میل به تسلط انسان بر طبیعت بود. تمدن غرب دستاوردهای علمی خود را مرهون اصالت علم و انسان و اعتقاد به قدرت مطلق بشری و رها شدن از سیطره دین و کلیسا می‌داند. انسان غربی علم زده در سایه علم، خود را بی نیاز از فروتنی در مقابل خداوند و نیروهای فوق طبیعی می‌داند و خود را بر طبیعت مسلط می‌بیند و بر طبق این دیدگاه نیز عمل می‌کند. بنابراین عمل صالح در نزد آن‌ها گمشده‌ای بیش نیست.

۴-۱۰. نفی دین با داعیه پیشرفت و تجدد

فیلسوفان مدرن، «پیشرفت» را یک اقدام انسانی می‌دانند که مستلزم به کارگیری عقل انسانی برای ایجاد دنیای بهتری است که متناسب با نیازهای بشری باشد. نوسازی و نوگرایی و آرمان پیشرفت و عقلانیت از مؤلفه‌های اساسی مدرنیته‌اند. از نظر برخی فیلسوفان غربی، تمدن غرب به دلیل ابتلا بر عقلانیت و علم، بهترین الگوی پیشرفت و تمدن بشری است. آنان، برای همه انسان‌ها و جوامع بشری، یک‌راه بیشتر برای پیشرفت وجود ندارد و آن پیروی از عقلانیت و الگوی ۲ مدرنیته غرب است، یعنی همان عقلانیت خود بنیاد و سکولار که داعیه جهان‌شمولی و فرامرزی دارد.

این نگرش و رویکرد سکولاریسمی که بین علم و دین و پیشرفت ناسازگاری فرض می‌کرد، به تدریج، در مرحله عمل بحران‌ها و کاستی‌های خود را نمایان ساخت و در بعد فلسفی و نظری نیز مورد نقد و چالش اندیشمندان گوناگونی که منتقد مدرنیته بودند، قرار گرفت. رنه گتون، منتقد مشهور فرانسوی، در کتاب بحران دنیای متجدد به برخی از این پیامدها و بن‌بست‌های تمدن جدید اشاره می‌کند و می‌نویسد:

۱. شایگان، افسون زدگی جدید یا هویت چهل تکه، ص ۳۱.

2. Hegle, Lecons sur la Philosophie del histoire, p 108 & 320



کسانی که تنعم و رفاه را آرمان خودساخته بودند و از بهبودهایی که بر اثر پیشرفت و ترقی حاصل گشته، برخوردارند، آیا خوشبخت‌تر از انبای بشر در روزگاران پیشین هستند؟ امروزه وسایل ارتباطی سریع‌تر و امکانات بیشتری وجود دارند، ولی عدم تعادل و نابسامانی و احساس نیاز بیشتر، او را در معرض خطر فقدان قرار داده و امنیت او هر چه بیشتر در معرض تهدید قرار گرفته است، زیرا که هدف تمدن جدید، چیزی جز افزایش نیازمندی‌های مصنوعی، بهره‌گیری جنون‌آمیز از امکانات، مواهب طبیعی و لذت طلبی و ارضای هر چه بیشتر و غوطه‌ور ساختن انسان در زندگی ماشینی چیز دیگری نیست.^۱

مسئله مذهب هیچ ارتباطی با جهل و علم ندارد، چرا که اگر این نظریه درست بود، می‌بایست به هر نسبت که مردم بی‌سوادترند، مذهبی‌تر باشند و به هر نسبت که مردم باسوادتر و عالم‌ترند حتماً لامذهب باشند و حال آنکه این خلاف واقع است.^۲

از این گذشته، لازمه این نگرش آن است که هر جا علم به کشف علل طبیعی نائل می‌آید، آنان از خدا و دین دست‌بردارند. برخی خیال می‌کردند که اگر تمدن پیشرفت کند دیگر جایی برای دین نیست، اما امروز معلوم شده که پیشرفت علم و تمدن نیازی را که بشر به دین برای یک زندگی خوب دارد، رفع نمی‌کند، بشر هم از لحاظ شخصی احتیاج به دین دارد^۳ و هم از لحاظ اجتماعی نیازمند به دین است.

نتیجه

ملاک ارزش‌گذاری عمل در اسلام ایمان هست. ایمان عبارت از یقین و تصدیق قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا است و عمل عبارت است از کار و فعل و خدمتی که با قصد و اراده انجام می‌شود. عملی که همراه ایمان و از روی اختیار باشد دارای آثار دنیوی و اخروی هست که از جمله آن استجاب دعا و نورانیت دل هست.

بنابر آیات و روایاتی که در متن آمده ملاک عمل در اسلام، ایمانی است که همراه با تقویت علم و ایجاد انگیزه و میل فطری است و اما ملاک عمل در عقلانیت مدرنیته چنین است: باید‌ها و نباید‌های عقلای مدرنیته به تحقق مقتضای خواهش‌های نفس و تحصیل منتهای نفسانیت منتهی می‌شود و در اعمال بشریت تأثیر نادرستی به‌جا می‌گذارد. درباره‌ی جایگاه دین در دنیای مدرن به‌طور کلی دو دیدگاه کلان وجود دارد: یکی نگاه سنت‌گرایانه و دیگری نگاه تجددگرایانه است.

در دیدگاه تجددگرایانه به دلیل اینکه عقلانیت مواجهه در دین و مدرنیته را تضاد و یا سنت ستیزی یا نفی دین می‌داند، عمل صالح در عقلانیت مدرن جایی ندارد؛ چرا که ملاک عمل در عقلانیت مدرن تبدیل به ملاک عقلی که همان سود و نفع شخصی و هوا و هوس هست تبدیل شده است.

۱. رنه گنون، بحران دنیای متجدد، ص ۱۴۴.

۲. طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۵.

۳. مطهری، فطرت، ص ۸۸.



فهرست منابع و مآخذ

- *قرآن کریم
- *نهج البلاغه
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵.
- اصفهانی، راغب، معجم المفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشی، مکتبه الرضویه، تهران، چاپ ۱۳۹۲.
- امینی، ابراهیم، خودسازی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، تحقیق و تنظیم: مجید حیدری فر و روح الله رزقی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۴.
- خمینی، روح الله، چهل حدیث، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
- دهقان، اکبر، راه رشد، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، چاپ اول، بهار، ۱۳۷۹.
- رنه گنون، دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.
- شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید یا هویت چهل تکه، ترجمه فاطمه ولیایی، نقش جهان، تهران، ۱۳۸۰.
- طباطبائی، محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با پاورقی مرتضی مطهری، انتشارات اسلامی، قم، بی تا
- طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ هفتم، تابستان، ۱۳۷۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- مجلسی، محمدباقر، عین الحیاه، جلد ۲، تحقیق سید مهدی رجائی، نشر بینا، ۱۳۷۶.
- علیان نژاد، ابوالقاسم، سوگندهای پربار قرآن، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۶.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- فراهیدی، الخلیل ابن احمد، کتاب العین، بی تا بی جا.
- کلینی، محمد یعقوب، الکافی، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۶ ق.
- مطهری، مرتضی، حکمتها و اندرزها، تهران، مرکز انتشارات آثار شهید مطهری، ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، تهران، ۱۳۷۵.
- مفتاح، احمد رضا، رابطه ایمان و عمل در شیعه و آیین کاتولیک، بی تا بی جا.



Hegle, Leconssur la Philosophie del histoire, Vrin, Parism 1991.